

اجرای طرح نظام‌های سه گانه برنامه ریزی درسی در ایران

مریم صفرنواده: عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

پریسا زارع: دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه شهید باهنر

بتول سیدی: دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه شهید باهنر

چکیده

برای آشنایی بیشتر با نظام‌های سه گانه برنامه ریزی درسی (متمرکز، نیمه متمرکز و غیر متمرکز) ابتدا شرح مختصری در مورد این سه نظام داده می‌شود. در شیوه متمرکز، کلیه کارهای تعلیم و تربیت توسط عده ای محدود که اغلب در کارهای آموزشی تبحر و سابقه دارند، در ردیف‌های عالی تشکیلاتی بدون دخالت افراد غیر فرهنگی معین می‌گردند و برای اجرا به مؤسسات تابع ابلاغ می‌گردد. در شیوه نیمه متمرکز، علاوه بر این که خط مشی‌ها و هدف‌ها از طرف مرکز تعیین شده و به آموزش و پرورش مناطق ارسال می‌شود، به معلمین نیز اختیاراتی داده می‌شود تا در برنامه‌های از پیش تعیین شده مطابق شرایط موجود تغییرات جزئی ایجاد کنند. حال آن‌که، در شیوه غیر متمرکز آموزش و پرورش، کلیه امور تعلیم و تربیت توسط متخصصان فرهنگی با تأیید نهایی مردم در هر حوزه آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در این سه شیوه مطابق الگوی شورت^۱ و زابار^۲ معلم می‌تواند به ترتیب نقش مجری، مجری فعال و برنامه ریز درسی را ایفا نماید. با بررسی سیر تحولات نظام برنامه ریزی درسی در ایران و آگاهی از نظرات و یافته‌های پژوهشی متخصصین تعلیم و تربیت در این زمینه مشخص شده که در هر برهه زمانی یکی از سه نظام برنامه ریزی درسی حاکم بوده است و نقاط قوت و ضعف‌هایی به دنبال داشته‌اند. بنابراین، با توجه به شرایط جغرافیایی کشور و تمرکز امکانات در یک منطقه خاص و گستردگی روزافزون علم و دانش بشری و افزایش مشکلات آموزشی ناشی از آن، اجرای طرح نظام‌های سه گانه برنامه ریزی درسی ضروری به نظر می‌رسد. لذا این طرح را می‌توان با توجه به میزان توسعه یافتگی کشور و هر یک از استان‌ها اجرا کرد. بدین ترتیب انتظار می‌رود با اجرای نظام برنامه ریزی غیر متمرکز در مناطق توسعه یافته، نظام برنامه ریزی درسی نیمه متمرکز در مناطق متوسط و نظام برنامه ریزی درسی متمرکز در مناطق محروم، بتوان تاحدودی با انطباق نظام

۱-Short

۲-Sabar

برنامه ریزی درسی با نیازها و شرایط هر منطقه از مشکلات و نارسایی های موجود بر سر راه برنامه ریزی درسی کاست .

کلید واژها: ۱- نظام متمرکز (Centralized System)، ۲- نظام نیمه متمرکز (Semi Centralized System)، ۳- نظام غیرمتمرکز (Decentralized System)؛ ۴- برنامه ریزی درسی (Curriculum planning) ، ۵- ایران (Iran) .

Archive of SID

مقدمه

نظام آموزش و پرورش هم‌چون سایر نظام‌ها دارای اجزا و عواملی است و یکی از اجزای مهم آن نظام برنامه ریزی درسی است که مهم‌ترین عنصر دستیابی به هدف‌ها و آرمان‌های یک ملت است. شیوه اجرای برنامه درسی تا حدود زیادی تابع نظام برنامه ریزی درسی است. از آن جا که تلاش برای ایجاد نوع خاصی از ارتباط بین اجزای یک نظام به گونه ای که مقصود خاصی را متحقق نماید، برنامه ریزی خوانده می‌شود، لذا برنامه ریزی مستلزم تصمیم‌گیری است. نوع تصمیم‌گیری که بر اساس میزان دخالت هر یک از اجزای یک نظام در این عمل مشخص می‌گردد، معیاری برای انتخاب نظام‌های سه‌گانه برنامه ریزی درسی (متمرکز، نیمه متمرکز و غیر متمرکز به حساب می‌آید. از آن‌جا که امکانات و شرایط در هر منطقه برای تصمیم‌گیری در زمینه تدوین و اجرای برنامه‌های درسی یکسان نیست، لذا این امر ایجاب می‌کند که در هر منطقه با توجه به نیازهای خاص آن منطقه شکلی از نظام‌های سه‌گانه برنامه ریزی درسی اجرا گردد. کشور ایران از ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و شرایط اقلیمی متفاوتی در مناطق مختلف برخوردار است. بدین ترتیب تصمیم‌گیری در باب اهداف، روش‌ها و شیوه‌های ارزشیابی بایستی به شکلی انجام گیرد که در شرایط خاص هر منطقه بیشترین فایده را به دنبال داشته باشد.

۱- تعاریف و ویژگی‌های نظام‌های سه‌گانه ی برنامه ریزی درسی

۱-۱. نظام متمرکز

اگر در یک نظام برنامه ریزی درسی، یک واحد مرکزی به اتخاذ تدابیر پردازد و تمامی واحد های تابعه ملزم به رعایت دستورات باشند، برنامه ریزی شکل متمرکز دارد (موسی پور، ۱۳۷۱: ۴۰). در این شیوه، کلیه فعالیت‌های مربوط به تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی، مانند تعیین هدف، نوشتن برنامه، سلزماندهی برنامه و اتخاذ شیوه‌های اجرایی برنامه توسط عده معدودی که غالباً در کارهای آموزشی تبحر و سابقه دارند، انجام می‌گیرد (طوسی، ۱۳۵۰). و مصوبات و دستور العمل‌های مرکزی به صورت لازم الاجرا به تمام مدارس ابلاغ می‌شود. بنابراین اصول و خط مشی‌های واحد و غیر قابل‌تغییری بر روش و سیاست مدرسه حاکم است (معیری، ۱۳۸۲). معلم در شیوه متمرکز نقش معجری سیاست‌های آموزشی ابلاغ شده از مرکز را ایفا می‌کند (مهرمحمدی، ۱۳۸۱). تمرکز در برنامه درسی مستلزم آن است که اهداف و ابزارهای دستیابی به آن‌ها از طرف دولت مرکزی فراهم شده باشند که در ارتباط با برنامه ریزی درسی، فراهم

آوردن ابزارهای لازم معمولاً توسط وزارت آموزش و پرورش که با وضع قوانین و مقررات ولایحه‌ها، سازمان‌هایی را در جهت نیل به اهداف آموزشی در سطوح پایین‌تر از سطح ملی هدایت می‌کند، انجام می‌شود. در این شیوه حکومت مرکزی به منظور اطمینان از جریان صحیح امور، به ناچار یک روش نظارت دقیق، توسط نمایندگان که مورد اعتماد هستند، برقرار می‌سازد (طوسی، ۱۳۵۰: ۶). به قول ویلیام روپکه^۱ «طرفداران اصل مرکزیت همواره به جمع و اجتماع نظر دارند و افراد انسانی را فقط در قالب گروه می‌بینند» (طوسی، ۱۳۵۰: ۱۲). تمرکزگرایان هم‌چنین استدلال می‌کنند که بنگاه‌های دولتی منافع جامعه را به بهترین وجه تأمین می‌نمایند، بی‌تردید در شرایط عدم توجه و احساس مسئولیت دولت در امر آموزش، افراد بی‌بضاعت و محروم در موقعیت نامطلوبی قرار می‌گیرند و بدین ترتیب جامعه از لحاظ تعداد و نسبت افراد واجد شرایط برای ادامه تحصیلات عالی محروم می‌ماند (تونز، ترجمه شیرازی بهشتی، ۱۳۷۲: ۱۸۹).

۲-۱. نظام نیمه متمرکز

اگر واحدهای مختلف یک نظام در چهارچوب طرح کلی و اصول مدونی که از جانب یک واحد مرکزی تعیین می‌شود، مختار به اخذ تصمیم در مورد کارهای خود باشند، برنامه ریزی نیمه متمرکز نامیده می‌شود (موسی پور، ۱۳۷۱: ۴۱). از دیدگاه عسکریان (۱۳۶۶)، اگر هدف این باشد که در آموزش و پرورش جامعه ای عدالت اجتماعی رعایت گردد، بهتر است با تفویض اختیاراتی به مناطق جهت اشاعه فرهنگ هر منطقه، آن‌ها را ملزم به پیروی از مدیریت مرکزی نمود. بدین ترتیب با تلفیق ویژگی‌های نظام متمرکز و غیر متمرکز پیشرفتی در عملکرد تربیتی حاصل می‌گردد. در این شیوه برنامه ریزی، فرم برنامه ریزی از حالت متمرکز خود خارج می‌شود و با حفظ نظارت مرکزی به صورت نیمه متمرکز و در پاره‌ای مسایل هم به صورت غیر متمرکز طراحی و اجرا می‌گردد (موسی پور، ۱۳۷۱: ۴۳). در این نظام به معلمین اختیاراتی داده می‌شود تا در برنامه‌های از پیش تعیین شده، مطابق شرایط موجود، تغییرات جزئی ایجاد کنند. لذا معلم در این نظام به عنوان یک مجری فعال در عرصه ی برنامه ریزی درسی ایفای نقش می‌کند.

۳-۱. نظام غیر متمرکز

^۱-William Ropke

در شیوه غیر متمرکز برنامه ریزی درسی، کلیه امور تعلیم و تربیت اعم از تعیین هدف، نوشتن برنامه با ایجاد نوع سازمان و روش‌های اداری، توسط متخصصان فرهنگی با تأیید نهایی مردم در هر حوزه آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در نتیجه، در چنین حالتی خود مردم مستقیماً کلیه یا قسمت اعظم مخارج تعلیاتی را از مالیات‌های محلی پرداخت می‌کنند (طوسی، ۱۳۵۰: ۶). در این شیوه هر یک از واحدهای نظام مختار به اخذ تصمیم در مورد فعالیت‌های خود می‌باشند (موسی پور، ۱۳۷۱). اگر این شیوه به صورت مطلوب شکل بگیرد، در عین آن که از جهت محتوا و سیاست‌های کلی تربیت عمومی و رسمی متضمن هماهنگی و یکپارچگی ملی است، دست مسئولان و مجریان محلی و مدرسه را در بهره‌گیری از واکنش‌های متعادل و سنجیده، برای چاره‌جویی مسایل ناشی از شرایط اجرایی محیط باز می‌گذارد، در مرحله اجرا انعطاف پذیر است و با تفاوت‌های فردی و ضرورت‌های منطقه‌ای سازگاری دارد (معیری، ۱۳۸۲: ۱۳۵). در این نظام معلم به عنوان برنامه ریز درسی در تدوین هدف، انتخاب محتوا و ارزشیابی به ایفای نقش می‌پردازد. آدامز^۱ (۱۹۹۵) عدم تمرکز را کلید هر سیاستی برای توسعه فرهنگی می‌داند که بر اساس اصول دموکراسی استوار شده است (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۱). نظام غیر متمرکز زمانی می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود که فضای مناسبی برای تغییرات ساختاری، اعتقاد واقعی به تفویض اختیار به مردم و با ارزش شمردن احترام به نظرات و ایده‌های کارکنان آموزشی، دانش‌آموزان و والدین، اعتماد به توانایی‌ها و مهارت‌های تخصصی در استان‌ها و ایمان به اصول مشارکت مردم در کارها وجود داشته باشد (شیرازی، ۱۳۷۳: ۹۶). طرفداران شیوه غیر متمرکز، به حفظ و نگه‌داری آزادی‌های فردی علاقه‌مندند و کوشش دارند تا برای افراد حداکثر آزادی فراهم آید و آنان در برابر آزادی‌ها مسئول شوند. عدم تمرکز بر اصل فلسفی اهمیت مقام فرد انسان تأکید دارد، این شیوه به حفاظت و نگهداری حقوق فرد در برابر جمع اقدام می‌کند و می‌کوشد تا هر کس بر اساس توانایی و قابلیت فردی خود رشد کند و در جریان اداره امور عمومی مشارکت جوید، تفاوت‌های فردی را محترم می‌شمارد و از انسان‌های مختلف، انسانی واحد و مخلوقی ماشینی به وجود نمی‌آورد (طوسی، ۱۳۵۰: ۱۲).

۱- Adams, D (۱۹۹۵)

۲- ضرورت‌های اجرای طرح نظام های سه گانه برنامه ریزی درسی در ایران

در دنیای امروز که دانش بشری روندی وسیع و بی وقفه پیدا کرده است و با سرعتی روز افزون رو به تکامل است، لازم است که حکومت‌ها در حل مسایل و مشکلات جامعه‌ی خود از رشد فکری و اجتماعی مردم کمک بگیرند. برنامه ریزی درسی مرکزی نمی‌تواند با توجه به شرایط کشور جواب‌گوی همه‌ی مسایل باشد. آلکسی دوتوکویل^۱ نیز در این زمینه چنین اظهار می‌دارد: «یک قدرت مرکزی هر اندازه روشن بین و مطلع باشد به تنهایی نمی‌تواند به همه‌ی جزئیات زندگی یک ملت واقف شود؛ زیرا چنین امری خارج از حدود امکانات بشری است و اگر به تنهایی در صدد اجرای مقصودی بر آید، ناگزیر و به حکم ضرورت، دستگاه‌های متعدد و پیچیده‌ای ایجاد می‌کند و به کار می‌گمارد که یا باید به نتایج ناچیز آن دل خوش باشند و یا با کوشش بسیار خود را فرسوده کند» (فرجاد، ۱۳۷۹: ۱۷۷). کشور ایران صرف نظر از وسعت خاک و جمعیت زیاد دارای مناطق مختلفی می‌باشد که از لحاظ آب و هوا، نوع خاک و محصولات کشاورزی و صنایع با هم تفاوت‌هایی دارند. با توجه به این ویژگی‌ها جای تردیدی نیست که هر منطقه بسته به شرایط خود، دارای نیازهای خاصی است. به طوری که نیازهای مردم مناطق کوهستانی و سردسیر با نیازهای مردم مناطق هموار و گرم و نیازهای مردمی که در سواحل دریا زندگی می‌کنند کاملاً متفاوت است و همین‌طور نیازهای اساسی مردم شهرنشین در شهرهای کوچک و بزرگ نیز با هم کاملاً فرق دارند (فرجاد، ۱۳۸۲). به علاوه مردم در حوزه سکونت خود، مشکلات خویش را بهتر می‌شناسند و راه‌حل‌های آن‌ها را بهتر تشخیص می‌دهند. از سوی دیگر مشکلات زندگی مردم در هر یک از مناطق، صورتی خاص دارد. از این رو، بین مشکلات آن‌ها و توان‌مندی‌هایشان تفاوت‌های زیادی به چشم می‌خورد. زبان، عادات، سنت‌ها و اعتقادات مردم، عوامل اقتصادی نظیر سطح درآمد هر خانوار، امکانات آموزشی و علمی و عوامل فرهنگی، مانند سطح سواد والدین، توانایی علمی معلمان آن منطقه نیز بر کیفیت نظام آموزشی آن منطقه تأثیر می‌گذارد. بنابراین، می‌توان با توجه به نیازهای خاص یک منطقه، نظام‌های سه گانه برنامه ریزی درسی متمرکز، نیمه متمرکز و غیر متمرکز را پیاده کرد.

^۱ - Alexi dotokovil

۳- بررسی سیر تحول نظام برنامه ریزی درسی در ایران

سیر تحولات برنامه ریزی درسی در ایران نشان می دهد، تا قرن نوزدهم میلادی که ایرانیان با پیشرفت های ملل غربی آشنا نشده بودند، نظام آموزشی و به تبع آن نظام برنامه ریزی درسی به صورت غیر متمرکز بود. در این برهه از زمان، مکاتب و اماکن مذهبی که توسط مکتب داران و روحانیون اداره می شدند، متولیان امر آموزش و پرورش کودکان این مرز و بوم بودند (صافی، ۱۳۷۹). محتوای برنامه های درسی محدود بود و مکتب داران و روحانیون نقش معلم را ایفا می کردند و به برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه های درسی می پرداختند. از قرن نوزدهم بنا به دلایلی مانند ارتباط ایرانیان با کشورهای اروپایی چه از طریق سفرهای حکام ایرانی و اعزام دانشجو و چه از طریق هیأت های نمایندگی کشورهای اروپایی، زمینه های تشکیل مدارس جدید در ایران فراهم شد. در نیمه دوم قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم، پس از پیروزی مشروطه خواهان، قانون اساسی مشروطه تعیین گردید که طبق اصول ۱۸ و ۱۹ آن، آموزش اجباری و همگانی اعلام گردید (موسی پور، ۱۳۸۲: ۶۹). شکل گیری وزارت معارف به منظور تنظیم آموزش پس از انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تاریخ تشکیل مدارس جدید و به خصوص تمرکز گرایی در آموزش و پرورش به شمار می آید (موسی پور، ۱۳۷۱). بدین ترتیب دولت مرکزی اداره امر آموزش و پرورش را به عهده گرفت. اوج تمرکز گرایی در نظام برنامه ریزی درسی ایران از سال های ۱۳۴۴ تا کنون می باشد. اگر چه در چند سال اخیر با تشکیل شوراهای آموزشی، تأسیس سازمان های آموزش و پرورش و تأسیس مدارس خصوصی تا حدودی گام هایی به طرف تمرکز زدایی در نظام برنامه ریزی درسی برداشته شده است، اما این شیوه اجرایی، هنوز در جامعه علمی-آموزشی ما جا نیفتاده است. هر یک از متخصصین برنامه ریزی درسی نیز با نقد و بررسی هریک از نظام های سه گانه برنامه ریزی درسی بنا به تجربیات و یافته های پژوهشی خود، یک نظام برنامه ریزی درسی را پیشنهاد داده اند.

معیری (۱۳۸۲)، در بررسی نظام آموزشی متمرکز به تحمیلی بودن نظام آموزشی کشور و عارضیتی بودن آن و عدم توجه به نیازها، محیط، فرهنگ حاکم بر جامعه، نادیده گرفتن شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور اشاره می کند و نتیجه می گیرد که، بایستی نظام مدیریت غیر متمرکز مورد عنایت سازمان های برنامه ریزی قرار گیرد. و به مسئولان و سازمان های محلی به فراخور نیازها و ضرورت های منطقه ای و شرایط داخلی مدرسه اختیار داده شود.

عسکریان (۱۳۶۶)، نیز نظام نیمه متمرکز را در آموزش و پرورش مد نظر قرار داده و معتقد است که با تلفیق ویژگی‌های مدیریت متمرکز و غیر متمرکز در عملکرد تربیتی پیشرفتی حاصل می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهشی موسی پور (۱۳۷۱) در باب نظام مطلوب برنامه ریزی درسی در ایران، ایشان با عنایت به نظر متخصصان تعلیم و تربیت به این نتیجه می‌رسد که نظام برنامه ریزی نیمه متمرکز با گرایش به سوی غیر متمرکز به عنوان نظام برنامه ریزی مطلوب و مناسب در ایران می‌تواند اجرا شود.

۴- چگونگی اجرای طرح نظام‌های سه گانه برنامه ریزی درسی (متمرکز، نیمه متمرکز و غیر متمرکز)

در این طرح کل کشور و به موازات آن هر یک از استان‌های کشور را می‌توان بر حسب میزان توسعه یافتگی به سه منطقه تقسیم کرد.

الف) منطقه (۱)

نقاطی که نسبت به سایر مناطق از میزان توسعه یافتگی بیشتری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و آموزشی و... برخوردارند، هم چنین در حوزه برنامه ریزی درسی به دلیل تمرکز امکاناتی هم چون اساتید و معلمان مجرب، مدیران توانمند، والدین باسواد، منابع مالی و آموزشی مطلوب، می‌توان نظام برنامه ریزی غیر متمرکز را اجرا کرد. زیرا در این مناطق، زمینه مشارکت افراد آگاه در امر آموزش و پرورش فراهم می‌گردد و در نتیجه ابتکار و خلاقیت در برنامه‌های درسی جای خود را پیدا می‌کند و نوعی دموکراسی آموزشی در نظام برنامه ریزی درسی به وجود می‌آید. علاوه بر این، طبق مدل شورت و زابار، معلمین این منطقه در عین حفظ وحدت ملی می‌توانند بدون نظارت مرکز و صرفاً با مشارکت والدین و خود دانش آموزان نسبت به تدوین برنامه‌های درسی مورد نیاز اقدام نمایند.

در این نظام به معلم صالح و شایسته و آزموده باید اختیار داد که هر چه را خود مقتضی دانست، خود اجرا کند. چنین معلمی است که در مقابله با پراکندگی مسئله تربیت و ویژگی‌های گوناگون کودکان و نوجوانان که هر یک مستلزم اعمال روش خاصی است درمانده نخواهد بود و ناتوانی نشان نخواهد داد. دخالت مردم و عوامل محلی در امر آموزش و پرورش رسالت مدرسه را به صورت یک کوشش جمعی و همگانی شکل می‌دهد و از انزوای مدرسه و محصور ماندن آن در قالبی تصنعی و نظری می‌کاهد (معیری، ۱۳۸۲).

ب) منطقه (۲):

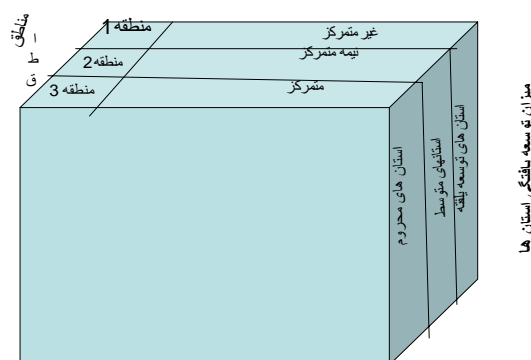
نقاطی که نسبت به مناطق توسعه یافته از امکانات و توانمندی های علمی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در سطح متوسطی قرار دارند. در این مناطق می توان با توجه به شرایط خاص آن، نظام برنامه ریزی درسی نیمه متمرکز را اجرا کرد. هم چنین، در این نظام معلم، مجری فعالی است که ضمن اجرای دستورات ابلاغ شده از مرکز، خود نیز بنا به اختیاراتی که به او داده شده، تغییرات جزئی متناسب با شرایط و نیازهای آن منطقه در برنامه ها اعمال می نماید.

ج) منطقه (۳):

در این منطقه که از لحاظ امکانات آموزشی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در پایین ترین سطح قرار دارد و یا به عبارتی منطقه محروم نامیده می شود، اجرای شیوه برنامه ریزی متمرکز برای رفع کاستی ها و جلوگیری از تشدید محرومیت ها در این مناطق مفید به نظر می آید. در این مناطق دولت پس از نیازسنجی های دقیق، با فراهم آوردن امکانات و نظارت دقیق بر روند تدوین و اجرای برنامه های درسی، کنترل نظام برنامه ریزی درسی این مناطق را بر عهده می گیرد. به علاوه، می تواند با آسایش خاطر، وقت و هزینه بیشتری را صرف این منطقه نموده و میزان کارآیی علمی و آموزشی این منطقه را بالا ببرد.

شکل شماره (۱) بیانگر اجرای طرح نظام های سه گانه برنامه ریزی درسی در سطح کشور می باشد:

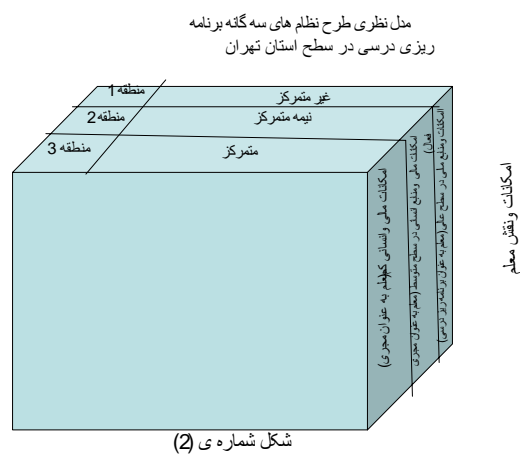
مدل نظری اجرای طرح نظام های سه گانه در سطح کشور



میزان توسعه یافته استان ها

شکل شماره ۱

در یک استان هم شرایط وامکانات از محدوده‌ای تا محدوده دیگر فرق می‌کند. لذا با توجه به تفاوت های مناطق مختلف در یک استان هم می‌توان الگوی سه گانه نظام برنامه ریزی درسی را در آن استان اجرا کرد. شکل شماره (۲) نحوه اجرای طرح نظام‌های سه گانه برنامه ریزی درسی را در هر یک از مناطق استان تهران نشان می‌دهد.



۵- نتایج مثبت و منفی احتمالی اجرای طرح نظام‌های سه گانه برنامه ریزی درسی در ایران

نتایج مثبت اجرای نظام برنامه ریزی درسی غیر متمرکز در منطقه (۱)

۱- رشد هویت شخصی و گسترش تعلق گروهی.

۲- رشد و شکوفایی خلاقیت، ابتکار و نوآوری.

۳- استفاده بهینه از امکانات.

۴- افزایش مشارکت و همکاری مردم در امور آموزشی.

۵- اجرای سیستم خود کنترلی.

نتایج منفی

۱- ایجاد هرج و مرج و عدم توجه به نیازمندی های ملی.

۲- ایجاد رقابت منفی.

نتایج مثبت احتمالی اجرای نظام برنامه ریزی درسی نیمه متمرکز در منطقه (۲)

۱- مشارکت مردم و دولت به طور نسبی در امور آموزش و پرورش.

۲- بالا بردن حس اعتماد به نفس در معلمان.

۳- توجه به نیازمندی های محلی در چهارچوب نیازهای ملی.

نتایج منفی

۱- مشخص نبودن میزان دخالت دولت مرکزی و مسئولین محلی.

نتایج مثبت احتمالی اجرای نظام برنامه ریزی درسی متمرکز در منطقه (۳)

۱- تأمین هزینه های آموزشی توسط دولت مرکزی.

۲- جلوگیری از تشدید محرومیت و فقر علمی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی.

۳- بالا رفتن درجه کارایی از حیث استفاده از منابع مالی و انسانی.

۴- اجرای صحیح برنامه ها به واسطه نظارت دقیق دولت مرکزی.

۵- افزایش کیفیت برنامه های درسی به علت اجرای سر فصل های ابلاغ شده از مرکز.

۶- تشویق کادر آموزشی و ایجار رقابت سالم در رسیدن به یک سیستم خود کنترلی.

نتایج منفی

۱- کاهش روحیه مشارکت جویی مردم منطقه در امر آموزش و پرورش.

۶- نتیجه گیری

مناطق مختلف هر کشوری از لحاظ شرایط جغرافیایی و امکانات علمی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... با هم تفاوت هایی دارند. لذا نمی توان در سطح یک کشور یک نظام برنامه ریزی درسی را برای کل مناطق در نظر گرفت. مثلاً اگر نظام برنامه ریزی درسی متمرکز در کل کشور اجرا شود، به دلیل این که دولت مجبور است برای تمامی مناطق هزینه های هنگفتی را متحمل گردد، ممکن است مناطق دورتر و محروم کم تر مورد توجه قرار گیرند و از طرفی با پیشرفت روز افزون علم و دانش و بالا رفتن سطح فرهنگ جامعه، مشکلات این مناطق

تشدید گردد و مردم به دلیل عدم آگاهی و نداشتن امکانات، میل ورغبتی برای شرکت در فعالیت های آموزشی فرزندان خود نداشته باشند و در مناطق متوسط هم، آن گونه که باید و شاید از امکانات موجود استفاده مطلوب به عمل نیاید. هم چنین، در مناطق توسعه یافته به دلیل این که معلمان متخصص مجبور به اجرای بی چون و چرای برنامه ابلاغ شده از مرکز هستند، ابتکار و خلاقیت آنان نادیده گرفته شده و از مشارکت افراد آگاه در تهیه و تدوین برنامه ها عملاً جلوگیری می شود. بنابراین، برای پیشگیری از این گونه معضلات، اجرای طرح نظام های سه گانه برنامه ریزی درسی پیشنهاد شده است. امید است که با تأمل و تحقیق بیشتر در این زمینه، کشورمان روزی شاهد رفع نارسایی های موجود در نظام برنامه ریزی درسی مناطق مختلف باشد.

فهرست منابع

- ۱- تونز، د، (۱۳۷۲). خصوصی سازی در بخش آموزش عالی، ترجمه هادی شیرازی بهشتی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱-۴، صص ۱۸۳-۲۰۱.
- ۲- شیرازی، علی، (۱۳۷۳). مدیریت آموزشی، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- ۳- صافی، احمد، (۱۳۷۹). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: سمت.
- ۴- طوسی، محمد علی، (۱۳۵۰). آموزش و پرورش متمرکز و نیمه متمرکز، نشریه دانشکده علوم تربیتی، شماره ۲-۳، صص ۱-۱۵.
- ۵- عسکریان، مصطفی، (۱۳۶۶). سازمان و مدیریت آموزش و پرورش، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- ۶- فرجاد، محمد علی، (۱۳۸۲). آموزش و پرورش تطبیقی، جلد اول و دوم، تهران: رشد، چاپ پنجم.
- ۷- فرجاد، محمد علی، (۱۳۷۹). اصول برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران: الهام، چاپ دوم.
- ۸- معیری، محمد طاهر، (۱۳۸۲). مسایل آموزش و پرورش، تهران: امیر کبیر، چاپ سیزدهم.
- ۹- موسی پور، نعمت الله، (۱۳۸۲). مبانی برنامه ریزی آموزش متوسطه، مشهد: به نشر.
- ۱۰- موسی پور، نعمت الله، (۱۳۷۱). بایدها و نبایدها در نظام برنامه ریزی درسی ایران؛ دیدگاه متخصصین تعلیم و تربیت، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، صص ۳۹-۶۱.

۱۱- مهر محمدی، محمود، (۱۳۸۱). برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازها،

مشهد: به نشر.

۱۲- یارمحمدیان، محمدحسین و همکاران، (۱۳۸۱). امکان سنجی و راهکارهایی برای غیر

متمرکز کردن نظام آموزشی و تفویض اختیارات، مجله دانش و پژوهش، شماره

۱۳-۱۴، صص ۲۴-۵۱.

Archive of SID